



## Reviewing and criticizing the Epistemology of the Systematic School from the Perspective of the Quran\*

Abdullah Tavakkoli<sup>1</sup>

Seyyed Esa Mostarhami<sup>2</sup>

Muhammad Hashim Shayan<sup>3</sup>

### Abstract

The knowledge of phenomena has always been one of the main concerns of the human community and has paid special attention to this issue throughout the ages. This is a sign of the importance of knowledge and has occupied the minds of wise scientists; because awareness is a reflection of cognitive currents and social schools that have risen in society and made a group of thinkers their supporters and followers. Knowledge of the facts of phenomena is vital for the human community. Epistemology has a special role to judge the validity of human knowledge. The epistemology of systemic management has an objectivist nature and should be analyzed in the framework of the positivist approach. The subject of knowledge is the systemic management of the environment and environmental influencing factors on the system, and reason, objective phenomena and the environment are the sources of its knowledge. The present research, using the combined method of exploratory, meta-composite and inferential (istintaqi) methods, first analyzed the epistemology of system management about the nature, approach, topic and source of knowledge and using the inferential method as key questions, presented the outcomes of knowledge to the Quran for receiving the answer. The findings show that knowledge from the perspective of the Word of Revelation does not have purely material nature and its spiritual dimension is much more prominent. Quran considers knowledge about the environment and its influencing factors to be necessary for the quality of actions and actions of the organization, but the subject of knowledge is developed from the environment and environmental factors, God, man, environment, environmental factors and the relationship between them. It expands them and clarifies that the sources of knowledge are more than nature and instrumental reason, history and revelation.

**Keywords:** Quran, Knowledge, Epistemology, System Management.

---

\*. Date of receiving: 09 April 2022, Date of approval: 30 May 2022.

1. Associate Professor of the Research Institute of Hawzeh and University; (atavakkoli@rihu.ac.ir).

2. Faculty Member and Hod of the Quran and Natural Sciences, Quran and Hadith Educational Center, Al-Mustafa University; (dr.mostarhami@chmail.ir).

3. Lecturer, Ph.D. (Specialization), Al-Mustafa International University, [Corresponding Author]; (shayan115729@gmail.com).



## بررسی و نقد معرفت‌شناسی مکتب سیستمی از دیدگاه قرآن\*

عبد الله توکلی<sup>۱</sup> و سید عیسیٰ مسترحمی<sup>۲</sup> و محمد هاشم شایان<sup>۳</sup>

### چکیده

معرفت پدیده‌ها همواره یکی از دغدغه‌های اصلی مجموعه انسانی بوده و طی اعصار و امصار به این مسئله اهتما ویژه داشته است. این مهم، نشانه اهمیت شناخت بوده و ذهن دانشمندان خردورز را به خود مشغول کرده است؛ زیرا آگاهی، نمایانگر جریان‌های معرفتی و مکاتب اجتماعی است که در درون جامعه قد برافراشته و طیفی از اندیشمندان را حامی و پیرو خود ساخته است. معرفت حقایق پدیده‌ها، برای مجموعه انسانی حیاتی است. معرفت‌شناسی جهت داوری صحت و سقم معرفت انسان، نقش ویژه دارد. معرفت‌شناسی مدیریت سیستمی ماهیت عینیت‌گرایی داشته و باید در چارچوب رویکرد اثبات‌گرایی، تجزیه و تحلیل شود. موضوع معرفت مدیریت سیستمی محیط و عوامل تأثیرگذار محیطی بر سیستم بوده و عقل، پدیده‌های عینی و محیط منبع معرفت آن است. پژوهش حاضر با استفاده از روش تلفیقی مرکب از روش اکتشافی، فراترکیب و استنتاجی ابتدا به تحلیل معرفت‌شناسی مدیریت سیستمی درباره ماهیت، رویکرد، موضوع و منبع معرفت پرداخته و یافته‌های دانشی را با بهره‌گیری از روش استنتاجی به‌منزله پرسش‌های محوری برای دریافت پاسخ بر قرآن عرضه کرده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که معرفت از منظر کلام وحی ماهیت صرفاً مادی نداشته و بُعد معنوی آن به مراتب برجسته‌تر است. قرآن معرفت نسبت به محیط و عوامل تأثیرگذار آن بر کیفیت اقدامات و کنش‌های سازمان را ضروری می‌داند، ولی موضوع معرفت را از محیط و عوامل محیطی، به خدا، انسان، محیط، عوامل محیطی و رابطه میان آن‌ها توسعه می‌بخشد و تصریح دارد که منابع معرفت افزون بر طبیعت و عقل ابزاری، تاریخ و وحی است.

واژگان کلیدی: قرآن، معرفت، معرفت‌شناسی، مدیریت سیستمی.

\* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۰ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۳/۰۹.

۱. دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ (atavakkoli@rihu.ac.ir).

۲. عضو هیئت علمی و مدیر گروه قرآن و علوم طبیعی، مجتمع قرآن و حدیث، جامعة المصطفی ص العالمیة؛ (dr.mostarhami@chmail.ir).

۳. مربی، دکتری تخصصی جامعة المصطفی ص العالمیة [نویسنده مسئول]؛ (shayan115729@gmail.com).



## طرح مسئله

اهمیت شناخت منبعث از این حقیقت است که در دنیای معاصر فلسفه‌های اجتماعی، مکتب‌ها، ایدئولوژی‌ها و نحله‌های علمی فراوانی ظهور یافته و هرکدام جهان بینی منحصر به فردی دارند که به نوع شناخت هریک از جهان هستی برمی‌گردد (مطهری، مسئله شناخت، ۱۳۷۳: ۳۴۱-۳۳۹). گذشته از شناخت، اطمینان از درستی و نادرستی آن که براین خطاهای حواس پنج‌گانه آدمی است، همواره مورد توجه صاحب‌نظران بوده و زین جهت، گاهی به صحت دانش خویش شک کرده و درصدد کشف درستی و مطابقت آن با واقع برآمده‌اند. در نتیجه، شناخت‌شناسی جهت دآوری در زمینه صحت و سقم دانش فراهم آمده از جستارهای عالمانه و تلاش‌های خردورزانه ذهن انسان‌ها، به‌وجود آمد.

در سده‌های اخیر، اهمیت معرفت‌شناسی رشد چشم‌گیر یافته است؛ زیرا نقش بنیادی در شناخت علم و دانش داشته، وزن و اعتبار هریک را نمایان می‌سازد. هر چند معرفت‌شناسی در حوزه‌های دانشی دیگر، قدمت طولانی داشته و در بازه زمانی به اندازه تاریخ علم مطرح شده است، لیکن در دانش سازمان و مدیریت (به‌ویژه مدیریت سیستمی) پیشینه‌ی چندانی ندارد و در دو دهه اخیر (قلی‌پور، شناخت‌شناسی سازمانی، ۱۳۸۱: ۲۲۱). معرفت‌شناسی سازمانی (Organizational Epistemology) مورد توجه نظریه‌پردازان این حوزه دانشی قرار گرفت.

با توجه به‌خواستگاه مدیریت سیستمی، تنها معیار درستی و نادرستی معرفت، کارآمد بودن و نبودن آن است و موضوع معرفت این مدیریت، صرفاً محیط و عوامل محیطی بوده و منبع معرفت آن، پدیده-های عینی و محیط است (رضائیان، مبانی سازمان و مدیریت، ۱۳۹۵: ۶۴). پرسش اساسی پژوهش حاضر این است که قرآن چه نقدی با هدف توسعه، رد و تغییر نسبت به ماهیت، موضوع و منبع معرفت‌شناسی مدیریت سیستمی دارد؟

## الف. مفهوم شناسی

برای درک رابطه میان دو واژه معرفت و معرفت‌شناسی، نیاز به فهم معنای آن دو احساس می‌شود و نخست لازم است به آن پرداخته شود.

### ۱. معرفت

معرفت (Knowledge)، به ارائه‌کننده واقعیت (مطهری، مجموعه آثار، ۱۳۹۰: ۴۶۷/۳). آگاهی و یا راه پیدا کردن به واقعیت (جوادی‌آملی، معرفت‌شناسی در قرآن، ۱۳۸۴: ۸۷)، نوع خاصی از مهارت و آشنا شدن با چیزی یا کسی و یا اطلاعات (لرر، نظریه معرفت، ۱۳۹۶: ۲۹)؛ تعریف شده و (یک پدیده) ارزشمند است. با توجه به تعاریف فوق، می‌توان معرفت را نمایانگر واقعیت، آگاه و دریافت اطلاعات نسبت به پدیده‌ای معنا کرد.

## ۲. معرفت‌شناسی

معرفت‌شناسی (Epistemology) به پرسش‌های مانند چه می‌توانیم بدانیم، کیفیت و چگونگی دانستن ما چیست و چه ابزاری جهت درک اعتبار و درستی دانش فراهم آمده ما در دسترس است؟ (نورس، شناخت‌شناسی مفاهیم کلیدی در فلسفه، ۱۳۸۹: ۱۱) پاسخ می‌دهد. به عبارت دیگر، پاسخ پرسش‌هایی نظیر انسان‌ها چگونه تولید دانش می‌کنند؟ معیارهای تمایز دانش خوب از بد چیست؟ چگونه باید واقعیت را نمایش داده و توصیف کرد؟ (هچ، نظریه سازمان، ۱۳۸۹: ۴۳) بر عهده دانش شناخت‌شناسی است و به تعبیری، شناخت‌شناسی دانشی است که به مطالعه فلسفی ماهیت، منابع، قلمرو و حدود، موضوع و اعتبار شناخت (موزر، درآمدی موضوعی بر معرفت‌شناسی معاصر، ۱۳۸۵: ۱۹) می‌پردازد.

## ب. روش تحقیق

این پژوهش، با روش تلفیقی سامان یافته است. بدین‌بین که با توجه به نبود داده‌ها و اطلاعات کافی، در گام اول با استفاده از روش اکتشافی و مطالعه اسناد و آثار مکتوب، امکان دستیابی به داده‌های قابل توجه در باره معرفت‌شناسی مدیریت سیستمی، فراهم شده و در گام دوم، با بهره‌گیری از روش فراترکیب؛ طی فرایند سه مرحله‌ای: ۱. شناسایی و انتخاب پژوهش‌ها؛ ۲. ارتباط و پیوند پژوهش‌ها؛ ۳. چگونگی ترکیب و عملیاتی کردن، محورهای نقد مشخص شده و در گام سوم، با روش استنتاجی و کاربردی کردن آن از طریق فرایند سه‌گانه کشف و استخراج مسئله (معرفت‌شناسی)؛ عرضه مسئله استخراج‌شده به منزله پرسش نظام‌مند به قرآن؛ و دریافت پاسخ قرآن با هدف توسعه‌یافته‌های مدیریت سیستمی در زمینه معرفت‌شناسی، اجرا و عملیاتی شده است.

## ج. ماهیت و رویکردهای معرفت‌شناسی

ماهیت معرفت سازمان، مدیریت و مکاتب آن را باید در درون یکی از رویکردهای اثبات‌گرایی، ضد اثبات‌گرایی و ساختار شکن که هرکدام نماینده طیفی از دیدگاه‌های معرفت‌شناسی است و در ذیل توضیح داده می‌شود، دنبال کرد:

### ۱. معرفت‌شناسی اثبات‌گرا (Positivist epistemology)

این رویکرد بدان جهت که مبتنی بر رهیافت‌های سنتی حاکم بر علوم طبیعی است (بوریل و مورگان، نظریه‌های کلان جامعه‌شناختی و تجزیه و تحلیل سازمان، ۱۳۹۰: ۱۵) و به معرفت عینی و





حسی اصالت می‌دهد، از یک‌سو با انکار متافزیک، تفکر طبیعت‌گرایانه را بر دانش مسلط کرده، طبیعت‌گرایی را به منزله اصول محوری علم پذیرفته و جایگاه علل فوق طبیعی در تبیین گزاره‌های طبیعی را نادیده می‌انگارد (فتحی‌زاده، عقلانیت علمی، ۱۳۹۲: ۳۱)؛ و از سوی دیگر، اعتبار علوم و عینت بخشیدن به آن را صرفاً از طریق روش تجربی امکان‌پذیر می‌داند (علی‌پور، پارادایم اجتهادی دانش دینی، ۱۳۸۹: ۴۰)؛ و به مطالعه پدیده‌های عینی تمرکز کرده، انسان‌ها و سیستم را موجودات زنده و مرتبط با محیط قلمداد می‌کند.

## ۲. معرفت‌شناسی ضد اثبات‌گرا (Anti-positivist epistemology)

در مقابل رویکرد افراط‌گرای اثبات‌گرا، رویکرد ضد اثبات‌گرایی قرار دارد و معتقد است که علوم اجتماعی از جمله دانش سازمان و مدیریت را بدان جهت که ماهیت نسبی دارد (بوریل و مورگان، نظریه‌های کلان جامعه‌شناختی و تجزیه و تحلیل سازمان، ۱۳۹۰: ۱۶)، باید جدا از علوم طبیعی در نظر گرفته و مطالعه کرد؛ زیرا مرزبندی جدی میان علوم اجتماعی و طبیعی وجود داشته و این دو حوزه دانش، تفاوت ماهوی و جوهری دارند. از دیدگاه این رویکرد، منبع معرفت، تنها عقل نبوده؛ بلکه حیات انسانی از شاخص‌ترین منابع دانش است که به فراموشی دچار شده است.

## ۳. معرفت‌شناسی ساختارشکن (Deconstructive epistemology)

رویکرد دیگری در عرصه معرفت‌شناسی سازمانی، رویکرد ساختارشکن است. این رویکرد هر چند دانش تفسیر را مهم ارزیابی می‌کند، ولی اتکای محض به رویکرد ضد اثبات‌گرایی و تفسیری‌عاری از تبارشناسی تاریخی را ناقص و ناتمام می‌داند (گریزی، نقدی بر دانش مدیریت، ۱۳۸۹: ۲۲۳-۲۱۰؛ گائینی، درسنامه مبانی معرفت‌شناسی تئوری‌های سازمان و مدیریت، ۱۳۹۰: ۱۱۵-۶۳). این رویکرد، برخلاف رویکرد اثبات‌گرایی که می‌گوید پژوهشگران هم می‌توانند و هم باید در زمینه واقعیت‌ها به ایده‌های مستقل برسند، به این باور است که ایده‌ها صرفاً در بستر ارتباط با شرایط و اقتضاها تاریخی به‌دست‌آمده و معنادار می‌شوند.

## د. ماهیت و رویکرد معرفت‌شناسی مدیریت سیستمی

هرچند طبق اذعان برخی از نویسندگان، اغلب دانشمندان جامعه‌شناسی و سازمانی تربیت یافته سنت اثبات‌گرایی‌اند (بوریل و مورگان، نظریه‌های کلان جامعه‌شناختی و تجزیه و تحلیل سازمان، ۱۳۹۰: ۱۹)، ولی دست‌کم به جهت خاستگاه مدیریت سیستمی که دیدگاه عمومی سیستم‌ها است، تردیدی در اثبات‌گرا بودن آن نیست. از این رو، معرفت‌شناسی آن ماهیت عینیت‌گرایی (Objectivism) داشته و در اردوگاه اثبات‌گرا (Positivist) که تنها آنچه قابلیت تجربه حسی دارد را علم محسوب

می‌کند (معلمی، معرفت‌شناسی در فلسفه غرب، ۱۳۸۸: ۱۷۳)؛ قابل تجزیه و تحلیل است. بدین جهت که به‌سان اثبات‌گرایان به این باورند که انسان‌ها و سیستم موجودیت‌های ملموس و واقعی هستند (گائینی، درسنامه مبانی معرفت‌شناسی تئوری‌های سازمان و مدیریت، ۱۳۹۰: ۶۳)؛ و امکان تحلیل و تبیین آن‌ها صرفاً از طریق طبقه‌بندی و اندازه‌گیری علمی (هچ، نظریه سازمان، ۱۳۸۹: ۴۳)؛ و ادراک حسی وجود دارد. پس معرفت اثبات‌گرایی، معرفتی است که از طریق روش تجربی به‌دست آید (الک، نگاهی انتقادی به معرفت‌شناسی جدید، ۱۳۸۹: ۴۴)؛ تا شعار تجربه‌گرایان که «هیچ پدیده‌ای در عقل نیست که پیشاپیش در حواس نبوده باشد» (مارتین، معرفت‌شناسی، ۱۳۹۴: ۱۵۲) تحقق یابد.

برای اینکه معرفت‌شناسی مدیریت سیستمی به درستی مشخص گردیده و تبیین شود، ضرورت دارد موضوع و منبع معرفت آن مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد:

#### ۱. موضوع معرفت

موضوع معرفت به این حقیقت اشاره دارد که به مطالعه و معرفت چه موضوعی لازم است پرداخته شود. توجه به این نکته ضروری است که موضع معرفت امکان دارد عینی، ملموس و یا ذهنی و غیرملموس باشد. موضوعات عینی به عینیت‌های بیرونی و نمایان اشاره داشته و موضوعات ذهنی، ناظر به مفاهیم نامرئی و غیرعریان هستند. به بیان دیگر، موضوعات عینی عمدتاً به نمودها، پدیده‌ها و عینیت‌های بیرونی برگشت دارند، ولی موضوعات ذهنی بیشتر با بودها، ذهنیت‌ها، مفاهیم و معانی درونی همراهند (میرزایی‌اهرنجانی و امیری، ارائه مدل سه‌بعدی تحلیل مبانی فلسفی و زیرساخت‌های بنیادی تئوری‌های مدیریت، ۱۳۸۱: ۷۰).

موضوع معرفت مدیریت سیستمی، محیط و عوامل تأثیرگذار محیطی بر سیستم است و به همین خاطر سلازینیک علاقه‌مند بود سازمان را همانند موجود زنده که برای بقا نیاز به تطبیق با محیط بیرون دارد (بوریل و مورگان، نظریه‌های کلان جامعه‌شناختی و تجزیه و تحلیل سازمان، ۱۳۹۰: ۲۵۸)؛ مطالعه کند و به معرفت از آن برسد. مدیریت سیستمی با توجه و تأکید بر تفکر سیستمی سازمان را به‌منزله مجموعه‌ای از ساختارها، کنش‌ها و به‌عنوان حوزه تأثیر و تأثر عوامل محیطی (میرزایی‌اهرنجانی و امیری، ارائه مدل سه‌بعدی تحلیل مبانی فلسفی و زیرساخت‌های بنیادی تئوری‌های مدیریت، ۱۳۸۱: ۷۴)؛ مورد مطالعه قرار داده و تلاش کرد محیط سیستم را به خوبی درک کرده و بشناسد؛ زیرا محیط به‌منزله موجودیتی که در بیرون از مرزهای سیستم قرار دارد و از طریق اعمال محدودیت‌ها و الزام سیستم به سازگاری با محیط به‌منزله بهای بقای حیات آن، تأثیر مهمی بر آن می‌گذارد (هچ، نظریه سازمان، ۱۳۸۹: ۱۳۹). به دیگر سخن، اقدامات و کنش‌های سیستم در خلاء اتفاق نمی‌افتد؛ بلکه به محیط بیرونی وابسته است (هاینس و کونتز، اصول مدیریت، ۱۳۸۸: ۳۰)؛ و لازم است هم پاسخگوی نیازهای محیطی باشد و هم خود را با اوضاع و شرایط محیطی منطبق سازد.



## ۲. منبع معرفت

در حوزه معرفت‌شناسی مدیریت سیستمی یکی دیگر از مباحثی که باید به آن پرداخته شود، منبع و زمینه‌های معرفت می‌باشد. منبع معرفت؛ یعنی از چه منابعی می‌توان نسبت به موضوعات معرفت حاصل کرد. برخی از دانشمندان، طبیعت و عالم هستی، عقل و خرد، قلب و دل و تاریخ (مطهری، مسئله شناخت، ۱۳۷۳: ۳۸۴-۳۷۳)؛ را منبع معرفت معرفی کرده است. بعضی در این خصوص معتقدند که منبع معرفت، به دو بعد عینی و ذهنی قابل دسته‌بندی بوده و به‌صورت کلی، از طریق ادراکات حسی، دانش پیش از تجربه، ایمان، عقل و قلب (معرفت‌های شهودی، وحی و الهام) به - دست می‌آید (میرزایی اهرنجانی و امیری، ارائه مدل سه‌بعدی تحلیل مبانی فلسفی و زیرساخت‌های بنیادی تئوری‌های مدیریت، ۱۳۸۱: ۷۱). به‌هرحال، منبع معرفت مدیریت سیستمی گذشته از عقل، پدیده‌های عینی و محیط است.

## هـ. نقد قرآنی معرفت‌شناسی مدیریت سیستمی

جایگاه معرفت در قرآن، نقد رویکرد معرفت‌شناسی، موضوع و منبع معرفت از دیدگاه قرآن، ابعاد و زوایای اصلی نقد معرفت‌شناسی مدیریت سیستمی است که با بهره‌گیری از روش استنتاجی، هرکدام به‌منزله پرسش اساسی و در یافت پاسخ به‌صورت زیر به قرآن عرضه می‌شود:

### ۱. معرفت در قرآن

با مطالعه و تأمل در آیات قرآن به‌دست می‌آید که حجم فراوانی از آیات به مسئله علم، معرفت و معرفت پرداخته و در زمینه ارزش و جایگاه آن به صراحت می‌فرماید: ﴿قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَظُنُّونَ وَ الَّذِينَ لَا يَظُنُّونَ﴾ (زمر/ ۹). در این آیه، معرفت و آگاهی هر چند ناظر به معرفت خداوند است (طباطبایی، المیزان فی تفسیرالقرآن، ۱۴۱۷: ۲/ ۲۴۳)، ولی با بهره‌گیری از اطلاق آن می‌توان هر نوع معرفت را از دیدگاه قرآن کریم دارای ارزش و اعتبار دانست. به بیان دیگر، پرداختن آیه با استفهام انکاری به مسئله معرفت، جایگاه آن و فاعل شناسا را در برابر جاهلان نشان می‌دهد (مکارم‌شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۱۹/ ۳۹۴) و حصر کمال انسان در معرفت و معرفت (فخررازی، تفسیر کبیر، ۱۴۲۰: ۲۶/ ۴۲۸) را گوش‌زد می‌کند. گذشته از این، قرآن بر اهمیت و منزلت دانش و دانشمندان و ارزش جایگاه آنان ضمن بیانی پرداخته و می‌فرماید: ﴿يُؤْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ الَّذِينَ أُوْتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ﴾ (مجادله/ ۱۱). و گاهی نیز جهت فهم و درک بهتر علم و معرفت، از شیوه تشبیه مفهوم متضاد (جهل و ناآگاهی) آن به نابینایی، بهره برده و می‌فرماید: ﴿أَفَمَنْ يَعْلَمُ أَنَّمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ حَقٌّ كَمَنْ﴾

هو اعمی إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ (رعد/ ۱۹). این تشبیه، نمایانگر همسانی جهل با نابینایی بوده و آن را در تضاد با معرفت و علم معرفی می‌کند. بنابراین معرفت و معرفت، به منزله بینایی در نظر گرفته شده و در تقابل معناداری با جهل و عدم معرفت به عنوان نوعی نابینایی، قرار داده شده است.

قرآن به این حقیقت ضمن آیات دیگری نیز پرداخته و می‌فرماید: «وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَ الْبَصِيرُ\* وَلَا الظُّلُمَاتُ وَلَا النُّورُ\* وَلَا الظُّلُّ وَلَا الْحُرُورُ\* وَ مَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَ لَا الْأَمْوَاتُ إِنَّ اللَّهَ يُسْمِعُ مَنْ يَشَاءُ وَ مَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَنْ فِي الْقُبُورِ» (فاطر / ۲۲-۱۹). از آیات فوق به دست می‌آید که واژگانی همانند: «ظلمات»، «باد داغ و سوزان» و «مردگان» در جهت توصیف جهل و نادانی که همراه بار معنایی منفی هستند استفاده شده، ولی برای توصیف معرفت و معرفت، از واژه‌های خوشایندی مانند: «روشنایی»، «سایه آرام‌بخش» و «زندگانی (حیات)» بهره برده شده است.

گاهی آیاتی از قرآن به رابطه معناداری میان «جهل» و گرفتار شدن به سختی‌های «دوزخ» (جاهلان و دوزخیان) اشاره کرده و نشان می‌دهد که معرفت رابطه قابل توجهی با ورود به بهشت دارد. مانند: «وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ. فَاعْتَرَفُوا بِذَنبِهِمْ فَسُحْقًا لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ» (ملک/ ۱۱-۱۰). این آیات نشان می‌دهد آنان که عقل‌شان را به کار نینداختند و به سخنان حق گوش ندادند، درهای معرفت را به روی خود بستند و درهای دوزخ را فرا روی خود گشودند و هرآنچه بر سر شان می‌آید، به خاطر عدم معرفت از حقایق و در دام اوهام باطل گرفتار شدن است. بدین جهت باز هم قرآن کریم ضمن آیه دیگری تصریح می‌کند: «وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّ وَ الْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَ لَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَ لَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ» (اعراف/ ۱۷۹). از آیات فوق به این نتیجه می‌توان رسید که معرفت در قرآن کریم در طیف بسیار وسیع مطرح شده، از اهمیت فراوانی بهره‌مند بوده و ستایش گردیده و در مقابل، جهل و عدم معرفت علت گرفتاری انسان در دام مشکلات عظیم معرفی شده و مورد نکوهش قرار گرفته است.

## ۲. نقد قرآنی رویکرد معرفت‌شناسی

گفته شد که رویکرد مدیریت سیستمی نسبت به معرفت‌شناسی، رویکرد اثبات‌گرایی است. از دیدگاه اثبات‌گرایان معرفتی که بهره علمی ندارد، فاقد معیار ثبوتی درست و نادرست است و علمی بودن هم به این مفهوم است که هر چه در عمل سودمند بود، حق بوده هر چند مطابق با واقع نباشد و هر چه در عمل سودی نداشت، باطل است هر چند مطابق با واقع باشد؛ زیرا بر اساس این برداشت، معرفت با واقع سنجیده نمی‌شود تا مطابقت و عدم مطابقت آن معیار صحت و سقم باشد؛ بلکه تنها معیار درستی و نادرستی معرفت، کارآمد بودن و کارآمد نبودن آن است (جوادی‌آملی، معرفت‌شناسی در قرآن، ۱۳۸۴: ۹۷).



در حالی که از دیدگاه قرآن نخست اینکه: ماهیت معرفت همراه با سودمندی ظاهری نیست؛ زیرا گاهی انسان سود را در پدیده‌ای می‌داند که در حقیقت سود نیست؛ که ضرر و زیان است: ﴿وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ (بقره/ ۲۱۶؛ نساء/ ۱۹). در این آیه، قرآن کریم صریحاً معرفت سودانگارانه ظاهری را که در واقع ضرر است؛ یعنی معرفتی را که هر چند واقع‌نما نیست و همراه نوعی سوء معرفت و غیرواقعی دیدن حقایق است؛ نپذیرفته و آن را معرفت نمی‌داند. دوم اینکه: معرفت، از لحاظ ماهیت صرفاً مادی نیست. هرچند معرفت حسی نیز به‌طورکلی نفی نمی‌شود، ولی توقف بر معرفت حسی و عینی که از عینیت‌ها و محسوسات فراتر نرفته و نسبت به ماورای آن بصیرت حاصل نشود (سیدقطب، فی ظلال القرآن، ۱۴۱۲: ۵/ ۲۷۵۸)؛ مردود بوده و مورد نقد جدی است.

از این‌رو، قرآن ضمن بیانی می‌فرماید: ﴿يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾ (روم/ ۷). در این آیه، معرفت مادی و حسی پدیده‌ها که حاصل تلاش‌های دانش اثبات‌گرایی است مورد توجه قرار نگرفته است؛ زیرا وقایع را آن‌گونه که هست نمایش نمی‌دهد. اینکه قرآن کریم «ظاهراً» را به‌صورت نکره آورد و فرمود: معرفت آنان محدود به ظاهر این دنیا است، برای تحقیر است و ظاهر حیات دنیا، در برابر باطن آن، همان گزاره‌هایی است که با ابزار مادی درک می‌کنند، چنین معرفتی (محدود) باعث می‌شود که به‌دنبال تحصیل آن برآیند و به آن دل ببندند، حیات آخرت را به دلیل عدم معرفت متناسب با آن فراموش کنند و از پیامدها و منافع که در آن وجود دارد غافل بمانند (طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷: ۱۶/ ۱۷۵). گاهی معرفتی که ماهیت حسی داشته، از طریق مبادی صرفاً دنیاگرایی برخاسته و از افق محدود عرصه‌های دیداری و شنیداری فراتر نمی‌رود، در منطق قرآن کریم به معرفت ناپایدار، زودگذر و نابودشدنی تعبیر شده است (اسراء/ ۱۸؛ قیامت/ ۲۰؛ انسان/ ۲۷).

بدین ترتیب، دقت و تأمل در آیات قرآن کریم ما را به یک حقیقت بسیار ناب رهنمون می‌سازد؛ حقیقتی که از اعتماد تنها به یافته‌های حسی و عینی قابل دریافت نیست و با پشتوانه یافته‌های مبتنی بر حقایق فرامادی نصیب انسان می‌شود و آن این که معرفت حسی بدون پشتوانه معرفت عقلانی، اصلاً معرفت نیست؛ بلکه گمانه‌زنی‌های جاهلانه بوده و نمایانگر نادانی، بی‌خردی و بی‌خبری است. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: ﴿وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ وَمَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ﴾ (جاثیه/ ۲۴). این آیه، معرفت مادی‌گرایانه را نشانه عدم شاخت در مورد آن چه می‌گویند (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بی‌تا: ۹/ ۲۶۰) می‌داند؛ یعنی گفته‌هایشان تقلیدی (بیضای، انوار التنزیل و اسرار التأویل، ۱۴۱۸: ۵/ ۱۰۸)؛ ناشی از جهل و بدتر از آن، جمود فکری است.<sup>[۱]</sup>

قرآن کریم ضمن آیه دیگری به صورت شفاف به معرفت و دانش فراهم آمده از مبادی و مبانی غیرمادی تصریح کرده و معرفت مبتنی بر یافته‌های اثبات‌گرایی را مورد انتقاد قرار داده و نقد می‌کند: «وَأَتَّبِعْكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا تَدْخُلُونَ فِي بُيُوتِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ» (آل عمران/ ۴۹). در این آیه، صحبت از دانش و معرفتی است که ماهیت مادی و حسی نداشته و از پنهان و غیب (طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷: ۳/ ۲۰۰؛ بلاغی نجفی، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، ۱۴۲۰: ۱/ ۲۸۵؛ حاصل شده و سرچشمه فرا مادی دارد؛ یعنی بحث از دانشی است که از راه غیر معاینه و مشاهده ظاهری سامان یافته است. گاه دانش و معرفت انسان از مجرای فراهم می‌آید که از حواس او پنهان بوده (مصباح‌یزدی، معارف قرآن: خداشناسی، کیهان‌شناسی، انسان‌شناسی، ۱۳۸۴: ۳-۱/ ۴۰۷)؛ و برخلاف باور اثبات‌گرایی، ماهیت غیرعینی دارد.<sup>[۲]</sup>

جهت مشخص شدن نقد قرآنی معرفت‌شناسی مدیریت سیستمی، ضروری است مباحث ذیل مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد:

#### الف. نقد قرآنی موضوع معرفت

مدیریت سیستمی تلاش دارد ضمن استفاده از تجربه‌ها، دستاوردها و تجویزهای نسل‌های پیشین سازمان و مدیریت، از طریق مطالعه محیط و عوامل محیطی به منزله موضوع معرفت، نسبت به پدیده‌ها بصیرت و معرفت بهتری یافته و از دریچه آن، وارد تئوری‌پردازی در عرصه سازمان شود.

قرآن کریم هرچند مطالعه و به تبع آن، معرفت محیط و عوامل تأثیرگذار آن بر کیفیت اقدامات و کنش‌های سازمان را ضروری می‌داند، ولی صرفاً موضوعیت محیط و عوامل آن را برای معرفت، بدون اینکه به معرفت خالق یگانه و مدبر بی‌همتای آن منتهی گردد، کافی ندانسته و چنین تصور و برداشتی را شدیداً نقد می‌کند. به عبارت دیگر، متفکران مادی‌گرا در زمینه معرفت نیز همانند دیگر علوم تجربی به مباحث افقی آن اکتفا کرده و هرگز سخن از سیر عمودی و بحث درباره معلم حقیقی آن به میان نمی‌آورند. قرآن کریم در حین تشریح ابعاد گوناگون معرفت، از معلم آن نیز یاد کرده (جوادی‌آملی، معرفت‌شناسی در قرآن، ۱۳۸۴: ۲۱۲)؛ و به معرفت او نیز موضوعیت می‌دهد و به صراحت بیان می‌دارد: «الرَّحْمَنُ \* عَلَّمَ الْقُرْآنَ \* خَلَقَ الْإِنْسَانَ \* عَلَّمَهُ الْبَيَانَ» (الرحمن/ ۴-۱).<sup>[۳]</sup>

از این رو، قرآن معرفت محیط را زمینه‌ساز معرفت خالق و مدبر کلان نظام هستی معرفی کرده و می‌فرماید: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَع النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَّاءٍ فَأَخْبَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَ



تَضْرِيفِ الرِّيحِ وَ السَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» (بقره / ۱۶۴). در این آیه، معرفت نسبت به محیط و عوامل محیطی (زمان، مکان، تکنولوژی (الفلسک) و اقتصاد (پما) یَنْقَعُ النَّاسُ وَ مَا أَتَزَّلُ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ...) در راستا و جهت معرفت خالق آن با بهره‌گیری از منبع آیه‌ای<sup>۱۴</sup> (لآیَاتِ) در نظر گرفته شده. به دیگر سخن، از راه معرفت این عوامل، به مبدا علم و قدرت یگانه‌ای معرفت حاصل می‌کنیم که تمامی این «آوازه‌ها از او است» (مکارم‌شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۱/ ۵۵۸)؛ یعنی از طریق معرفت انواعی از دلایل (محیط و عوامل محیطی) به وجود خداوند و یگانگی آن ذات هستی بخش، معرفت به دست می‌آوریم (فخررازی، تفسیر کبیر، ۱۴۲۰: ۱۵۲/۴؛ ابن‌عاشور، التحریر و التتویر، بی‌تا: ۷۵/۲).

از ویژگی‌های منحصر به فرد قرآن در زمینه معرفی موضوع معرفت این است که آن را در درون شبکه و نظام معرفتی ارائه می‌دهد؛ یعنی خداوند، محیط و خود انسان را به صورت یک مجموعه‌ی منسجم، به منزله موضوع معرفت معرفی می‌نماید و می‌فرماید: «سَتَرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْاَفْهَاقِ وَ فِي اَنْفُسِهِمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ اَنَّهُ الْحَقُّ اَوْ لَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ اَنَّهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ» (فصلت/ ۵۳). در این آیه، با بهره‌گیری از منبع آیه‌ای (سَتَرِيهِمْ آيَاتِنَا) خداوند (نا)، محیط (الْاَفْهَاقِ) و انسان (اَنْفُسِهِمْ) را موضوع معرفت می‌داند و او را به معرفت همه این حقایق دعوت می‌کند و مهم‌تر این که معرفت محیط و انسان را ابزاری برای معرفت خالق و مدبر آن‌ها دانسته و گویی معرفت آیین‌دو در صورتی که معرفت خداوند را به دنبال نداشته، جهل و نادانی است. آیات دیگری (آل‌عمران/ ۱۹۰، ۱۹۱؛ غافر/ ۵۷؛ ملک/ ۳) نیز به این حقیقت قرآنی دلالت دارند و موضوع معرفت را فراتر از آنچه مدیریت سیستمی مطرح کرده، می‌داند. در نتیجه، موضوع معرفت از دیدگاه قرآن، خدا، انسان، محیط و پیوند حاکم میان آن‌ها می‌باشد.

## ب. نقد قرآنی منبع معرفت

هرچند در کنار طبیعت و پدیده‌های عینی، از عقل و محیط نیز به مثابه منبع معرفت مدیریت سیستمی سخن به میان آمده است، لیکن آن دو نیز جدا از حس و پدیده‌ای عینی نیست؛ زیرا عقل در فرهنگ قرآن کریم، به منزله چشم دیگری برای آگاه شدن نفس نسبت به حقایق است و اما در فرهنگ طبیعت‌گرایان، عقل به منزله عینک و یا سمعک برای چشم و گوش مادی است؛ یعنی عقل هرگز حقیقت جدیدی را ادراک نمی‌کند؛ بلکه همانند ابزار مادی صرفاً وسیله‌ای برای ادراک بهتر امور مادی است (جوادی‌آملی، معرفت‌شناسی در قرآن، ۱۳۸۴: ۲۴۰). محیط نیز در ادبیات مدیریت سیستمی از آن جهت که محدود و محصور به محیط مادی (طبیعت) و عنیت یافته می‌باشد، امکان فراتر رفتن از

جایگاه منبع حسی را ندارد؛ زیرا محیط ناظر به پدیده‌ها و عوامل حسی و عینی بوده و یک منبع کاملاً حسی برای معرفت مدیریت سیستمی است. پس در حقیقت منبع معرفت این مدیریت، حسی و منحصر به مطالعه پدیده‌های محسوس و دیدنی است. از این رو، ضمن تلاش جهت فهم منابع معرفت از دیدگاه قرآن به صورت ذیل، دیدگاه مدیریت سیستمی در زمینه‌ی منبع معرفت نقد شده و کاستی‌های جدی آن در این زمینه هویدا خواهد شد:

### ۳. طبیعت به منزله منبع معرفت

قرآن کریم به طور صریح و شفاف، طبیعت و جهان آفرینش (آسمان، زمین و هر آنچه در آن‌ها است) را یکی از منابع معرفت معرفی می‌کند و می‌فرماید: «قُلْ اَنْظُرُوا مَا ذَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ» (انعام/ ۹۹؛ یونس/ ۱۰۱). پس جهان طبیعت و نظام آفرینش و مخلوقات مختلف، گوناگون، رنگارنگ و مشتت همه آیه‌ای از آیات الهی برای معرفت خالق آن است (طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷: ۱۰/ ۱۲۷). به بیان دیگر، بر اساس این آیه، پیامبر اکرم ﷺ مأمور است که مردم را به مطالعه و تفکر در پدیده‌های آسمان‌ها و زمین توصیه کند (هاشمی رفسنجانی، تفسیر راهنما، ۱۳۸۷: ۷/ ۳۹۶)؛ تا ببینند که ستارگان درخشان، مجموعه‌های مختلف آسمانی و زمین با تمام شگفتی‌ها و اسرارش و این همه موجودات زنده متنوع و گوناگون (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۸/ ۳۹۳)؛ منبع معرفت بی‌نظیری برای خداوند است. از این رو، این توصیه از یک سو نمایانگر این مطلب است که راه برای معرفت خداوند جز تدبیر و تعقل در شواهد نیست و از سوی دیگر، نشان می‌دهد که مدارک و شواهد یا در قلمرو آسمان‌ها است یا در عالم زمین.

بنابراین، گردش منظم شب و روز، جریان معنا دار دریاها، چرخش افلاک، توالد و تناسل جنبندگان، رویش مواد غذایی و میوه‌ها، برافراشته بودن آسمان بدون تکیه بر عماد و ستونی، نشانه تدبیر خرد مندانه مدبری است که شباهتی با اشیاء و پدیده‌های مادی نداشته و ندارد (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بی تا: ۵/ ۴۳۷)؛ پدیده‌هایی که به منزله داشته‌ها و دارایی‌های طبیعت گواه و منبع معرفت مدبر بی‌همتا است.

نقدی که این آیه بر مدیریت سیستمی وارد می‌داند این است که برخلاف آن، طبیعت را واقع‌نما دانسته و معرفت ناشی از آن را دارای ارزش نظری و معرفتی می‌داند. نگاه به طبیعت، جهان، واقعیت و عین را آنگونه که هست به ما نمایان می‌سازد (مطهری، مسئله شناخت، ۱۳۷۳: ۶۲)؛ نه آن گونه که مدیریت سیستمی بر اساس تفکر اثبات‌گرایی، برای معرفت طبیعت ارزش صرفاً عملی قائل است و تسلط بر آن را ابزاری برای بهره‌گیری از منابع محدود و کسب سود بیشینه می‌داند؛ یعنی ابزار بهره





برداری از جهان (جوادی‌آملی، معرفت‌شناسی در قرآن، ۱۳۸۴: ۹۷)؛ گردیده و راه‌های بهره‌گیری و بهره‌مندی هر چه بهتر از طبیعت را فراهم می‌کند و هیچ‌گونه واقع‌نمایی نداشته و فاقد ارزش معرفتی و دانشی است.

در زمینه منبع معرفت بودن طبیعت، قرآن کریم ضمن ترسیم فرایند سیستمی و شبکه‌ای در چارچوب ورودی، پردازش و خروجی، در حقیقت معرفت خداوند را مدنظر قرار می‌دهد و می‌فرماید: ﴿وَمَا أُنْزِلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَخْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ﴾ (بقره/ ۱۶۴). این آیه همان‌گونه که اشاره شد، به زیبایی تمام، چرخه پدید آمدن و حیات گرفتن موجودات را در قالب ورودی ﴿وَمَا أُنْزِلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ﴾، پردازش (آنچه در اعماق زمین اتفاق می‌افتد) و خروجی ﴿فَأَخْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ﴾ تبیین کرده و تأکید دارد که کنشگر اصلی و حقیقی در این فرایند معنادار، خداست و باید از مجرای معرفت پدیده‌های طبیعت ورود کرد که محیط و عوامل آن نیز یکی از آن معرفت‌ها است.

#### ۴. عقل به منزله منبع معرفت

با عنایت به نقش و کارکردهای عقل در درایت، معرفت، ادارک، سیاست، تدبیر و فرمانده امور (جوادی‌آملی، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، ۱۳۹۰: ۹۷)، قرآن ضمن آیات متعدد<sup>[۵]</sup> انسان را در باره به‌کارگیری آن دعوت کرده است. عقل یک منبع ادراکی و معرفتی است؛ اما نه صرفاً منبعی برای فهم و معرفت؛ بلکه وسیله‌ای که انسان را به‌بندگی و عبودیت برساند (خسروپناه، کلام جدید، ۱۳۹۰: ۹۶)؛ یعنی هدف، پیوند عقل نظری و عقل عملی (جوادی‌آملی، شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی، ۱۳۸۸: ۲۸۱) است. در این میان قرآن کریم منبع حسی و عینی (طبیعت) را همراه منبع فراحسی و عقلی قرار داده و اندیشه انحصاری منبع معرفت را به حسی نقد نموده و کاستی آن را بر ملا می‌سازد و می‌فرماید: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ يَرْيَكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيَخْيِي بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾ (روم/ ۲۴).

در این آیه، گذشته از این‌که محسوسات منبع معرفت معرفی شده و در کنار آن به عقل نیز به‌منزله منبع دیگری برای معرفت توجه شده است، به‌صورت ضمنی به ارزشمندی بیشتر منبع غیرحسی در برابر منبع حسی اشاره شده است؛ زیرا از یک‌سو نشان می‌دهد که (تنها) اهل تعقل می‌دانند که یک عنایتی به این نظام (محسوس/ طبیعت) مملو از مصلحت (طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷: ۱۶/ ۲۵۳) وجود دارد و از سویی دیگر، گوش زد می‌کند که تجربه حسی هیچ‌گاه به تنهایی، بدون عقل یقین‌آور نیست (جوادی‌آملی، معرفت‌شناسی در قرآن، ۱۳۸۴: ۳۱۵-۳۱۴)؛ بلکه بستری هست برای این‌که

عقل به تدبر و تفکر بپردازد (سیدقطب، فی ظلال القرآن، ۱۴۱۲: ۵/ ۲۷۶۵). پس گذشته از منبع حسی، منبع عقلی برای معرفت ضروری است؛ زیرا (هرچند) درک طبیعت با حواس امکان پذیر است، ولی برای استدلال عقلی منبعی به نام عقل لازم است تا با تفکر و تعقل (مدرسی، من هدی القرآن، ۱۴۱۹: ۱۰/ ۴۳)؛ معرفت حقایق پدیده‌ها میسر شده و سرّ حکمت و تدبیر الهی دریافت شود (فضل الله، من وحی القرآن، ۱۴۱۹: ۱۸/ ۱۲۰).

توجه به این نکته جالب است که قرآن کریم کسانی را که از منبع عقل برای معرفت پدیده‌ها بهره نمی‌گیرند، اهل جهنم معرفی کرده و می‌فرماید: «وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا» (اعراف/ ۱۷۹). از دیدگاه قرآن کریم، جایگاه منبع بودن عقل برای معرفت تا حدی است که در آیه‌ای آنانی را که از سرگذشت دیگران عبرت نمی‌گیرند، به نابینایان قلبی تعبیر کرده و می‌فرماید: «أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ» (حج/ ۴۶).

#### ۵. تاریخ، به منزله منبع معرفت

از دیدگاه قرآن کریم، تاریخ یکی از منابع عالی و بی‌مانند معرفت به حساب می‌آید. تاریخ؛ یعنی مطالعه سرگذشت پیشینیان و عواقب کنش‌ها و اقدامات آنان در کیفیت سرنوشت زندگی صالح و یا طالح آن‌ها، منبع معرفت بوده و آگاهی‌های فراوان را برای انسان به ارمغان می‌آورد. به دیگر سخن، قرآن کریم به صورت قاطع و صریح تاریخ را جهت مطالعه عرضه کرده (مطهری، جامعه و تاریخ، ۳۷۲: ۷۸)؛ علم و آگاهی به سسن و قواعد ناظر به زندگی‌های گذشته<sup>۱۶</sup> از مجرای مطالعه، بررسی و تحلیل وقایع و حوادث آن را یکی از منابع معرفت معرفی کرده و می‌فرماید: «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ» (انعام/ ۱۱). در بیان دیگری می‌فرماید: «أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَكَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً» (فاطر/ ۴۴). نیز در آیه دیگری می‌فرماید: «فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ» (نحل/ ۳۶).

آیات فوق، مطالعه تاریخ را به منزله یکی از منابع مهم و ارزشمندی برای معرفت معرفی کرده و دستور به کسب معرفت از طریق گردش و سیر در زمین می‌دهد. به بیان دیگر، مطالعه آثار تاریخی، تحولات زندگی جامعه بشری (مطهری، مسئله شناخت، ۱۳۷۳: ۷۸)؛ و تحقیق و بررسی صفحات عینی به جامانده از ملت‌ها (جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ۱۳۸۴: ۲۴/ ۴۸۰) از طریق سیر تاریخی - جغرافیایی در زمین (صادقی تهرانی، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، ۱۳۶۵: ۹/ ۳۴۸) و با چشم و دل دیدن (ابن عاشور، التحرير و التنوير، بی‌تا: ۶/ ۳۰)؛ حال گذشتگان، به منزله منبع دستیابی به معرفت و



آگاهی، مورد توجه قرآن کریم است. به این ترتیب، یکی از منابع کسب معرفت، تاریخ و مطالعه سرگذشت عبرت‌آموز گذشتگان است که در آیات فوق و آیه «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ» (نحل/ ۶۹) و آیات دیگر مورد تأکید و توجه قرار گرفته؛<sup>[۷]</sup> منبعی که مدیریت سیستمی از آن بهره‌ای نداشته و در جهت درک و معرفت حقایق محدودیت جدی دارد.

#### ۶. وحی به منزله منبع معرفت

از دیدگاه قرآن وحی نیز منبعی از منابع معرفت بوده و آن را منبع جامع، کامل و بی‌عیب و نقص معرفی می‌کند (نحل/ ۸۹؛ انعام/ ۵۹؛ فصلت/ ۴۲). جایگاه، نقش و کارکرد وحی تا حدی است که با ورود آن به عرصه فرهنگ انسانیت، زمینه‌رهایی بشر از انحطاط و سقوط فراهم، درهای شکوه و تعالی به روی او باز، اندیشه‌ها و خرده‌ها بارور و عصر رشد و شکوفایی خردورزی آغاز و عقلانیت بالید و بارور شد (جوادی‌آملی، معرفت‌شناسی در قرآن، ۱۳۸۴: ۱۱۸). با عنایت به اهمیت و جایگاه وحی به منزله منبع غنی، محکم و جاودان برای کسب دانش و معرفت، خداوند حکیم آن را در اختیار همه انبیا اله قرار داده و تمامی آنان را از این نعمت ارزشمند بهره‌مند نموده و می‌فرماید: «إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَ النَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ وَ أَوْحَيْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ الْأَسْبَاطِ وَ عِيسَى وَ أَيُّوبَ وَ يُونُسَ وَ هَارُونَ وَ سُلَيْمَانَ وَ آتَيْنَا دَاوُدَ زَبُورًا» (نساء/ ۱۶۳).

بر اساس آیه مورد نظر، وحی یک جریان مداوم و سنت همیشگی خلل‌ناپذیر در تاریخ حیات انسان (مکارم‌شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۲/ ۲۱۱) بوده، معارف و ره‌آورد‌های آن به عنوان یک منبع معرفت در اختیار بشر قرار گرفته؛ معرفتی که از چنان اتقان و استحکام برخوردار است که قرآن می‌فرماید: «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَى \* إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى» (نجم/ ۴-۳). این آیه نشان می‌دهد که معرفت مبتنی بر وحی، از خطا و اشتباه در امان بوده و واقع‌نمایی عالی دارد. از این رو، قرآن اطلاعاتی را به پیامبر ﷺ در زمینه حقایق و وقایعی که در آینده اتفاق می‌افتاد داده و اطمینان می‌دهد که این اخبار به واسطه وحی به شما گزارش می‌شود (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۲: ۵/ ۴۰۸). «ذَلِكِ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ» (یوسف/ ۱۰۲).

قرآن ضمن بیانی دیگری می‌فرماید: «فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ وَ لَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَى إِلَيْكَ وَحْيُهُ وَ قُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا» (طه/ ۱۱۴). این آیه وحی را منبع مهمی برای افزایش، گسترش و بسط معرفت معرفی کرده و به پیامبر اکرم ﷺ دستور می‌دهد از خداوند تقاضای افزایش علم (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۲: ۷/ ۵۲) و کسب معرفت مضاعف (دانش بعد از دانش) کند؛ زیرا دانش فراهم‌آمده از طریق وحی باقی (مراغی، تفسیر المراغی، بی‌تا: ۱۵/ ۱۵۵)، ماندگار و پایدار بوده، فاعل شناسا را منتفع می‌سازد (مغنیه، تفسیر الکشف، ۱۴۲۴: ۵/ ۲۴۸).

بدین ترتیب، گاه وحی نسبت به مباحثی که عقل توانایی معرفت آن را دارد، مانع از پراکندگی اندیشه‌ها و چندگانگی افکار انسان‌ها شده و آن‌ها را نسبت به دست‌آوردهای عقلی شان اطمینان دهد و گاه نیز، عهده‌دار تبیین تمامی جزئیاتی است که عقل به جهت محدودیت از معرفت نسبت به آن‌ها ناتوان است.

## نتیجه

با توجه به مباحث مطرح شده در متن پژوهش، می‌توان گزاره‌های زیر را به مثابه نتایج آن بر شمرد:

- ۱- قرآن کریم نسبت به معرفت و شناخت توجه حداکثری کرده و آن را به عنوان یک ارزش اصیل انسانی در ابعاد گسترده مورد تبیین و تشریح قرار داده و تأکید کرده است که کمال انسان ریشه در معرفت و آگاه او دارد. بنابراین کسانی که از نعمت معرفت و آگاه برخوردار هستند، بسان عالمان و اندیشمندان با کسانی که در جهالت و نادانی قرار دارند یکسان نیستند.
- ۲- از دیدگاه قرآن اولاً: معرفت به مفهوم سودمندی ظاهری نیست؛ زیرا گاهی انسان سود را در پدیده‌ای می‌داند که در حقیقت سود نیست؛ بلکه ضرر و زیان است و ثانیاً: معرفت از لحاظ ماهیت، صرفاً مادی و حسی نیست؛ زیرا معرفت حسی بدون پشتوانه معرفت عقلانی و فرامادی اصلاً معرفت نیست؛ بلکه گمانه‌زنی‌های جاهلانه بوده و نمایانگر نادانی، و بی‌خبری است.
- ۳- قرآن هرچند مطالعه و به تبع آن معرفت نسبت به محیط و عوامل تأثیرگذار آن بر کیفیت اقدامات و کنش‌های سازمان را ضروری می‌داند و غفلت از آن را نمی‌پذیرد؛ ولی موضوع معرفت را از محیط و عوامل محیطی، به خدا، انسان، محیط، عوامل محیطی و رابطه میان آن‌ها توسعه می‌بخشد.
- ۴- قرآن در مورد منبع معرفت بودن طبیعت، ضمن ترسیم فرایند سیستمی و شبکه‌ای پدیده‌های آنکه در چارچوب ورودی، پردازش و خروجی به منزله محصول نهایی در خدمت انسان و جامعه بشری قرار می‌گیرد، نشانه معرفت خداوند می‌داند، گذشته از طبیعت، عقل، تاریخ و وحی را نیز منبع معرفت معرفی می‌کند.



## پی‌نوشت‌ها

[۱] هر چند تأکید بر عقل و عقلانیت شاخصه اصلی مدیریت علمی است، آن‌گونه که برجسته کردن بُعد انسانی - اجتماعی سازمان شعار محوری مکتب روابط انسانی است، ولی نباید فراموش کرد که دیدگاه سیستمی گذشته از جنبه عقلانی و انسانی سازمان، به جنبه ارتباط معنادار آن با محیط نیز تأکید کرده و با ترکیب عصاره دیدگاه‌های نسل‌های قبل، مدیریت سیستمی را شکل داده است. به قول بوریل و مرگان «توسعه تاریخی مطالعات معمولاً به دنبال آن است که چگونه نظریه کلاسیک مدیریت، نظریه بوروکراسی و بر و نظریه روابط انسانی در کنار یکدیگر پدیدار و در نهایت در دهه ۱۹۵۰ در قالب نظریه نظام‌ها با هم ترکیب شدند و چگونه تحقیقات بعد از این دهه درصدد کشف تبعات رهیافت سیستمی در سطح تجربی بوده است».

[۲] در آیات دیگری: نساء/ ۱۵۷؛ یونس/ ۶۶؛ نجم/ ۲۸ نیز معرفت صرفاً مبتنی بر حس نقد شده و عاری از توانایی نمایش یک واقعیت معرفتی گردیده است.

[۳] قرآن کریم در آیات دیگری: بقره/ ۳، آل عمران/ ۴۴؛ یوسف/ ۱۰۲؛ مریم/ ۷۸؛ هود/ ۴۹ نیز با واژه «غیب» به معرفت و دانش منبعث از مجاری غیر حسی آگاهی داده است.

[۴] هرچند شناخت به کنه ذات خداوند برای بشر محال است، ولی در اینکه قرآن کریم اوصاف و اسمانی را به خداوند نسبت داده و به انسان‌ها نشان می‌دهد تا از طریق آن‌ها خدا را بشناسند، تردیدی نیست. برای نمونه قرآن کریم از راه نسبت دادن خالقیت به خداوند مانند: «وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ» انعام/ ۱۰۱؛ فرقان/ ۲؛ و «ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ» انعام/ ۱۰۲، غافر/ ۶۲. و «وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ» انعام/ ۲، غافر/ ۶۲، انسان‌ها به شناخت خداوند دعوت می‌کند.

[۵] در آیات دیگری: بقره/ ۳۱، ۲۸۲؛ مائده/ ۴؛ انبیاء/ ۸۰ نیز به موضوع معرفت توجه و تأکید شده است.

[۶] آیه در فرهنگ قرآن به مفهوم نشان الهی است که می‌توان با آن بر وجود خدا و اوصاف او استدلال کرد (و نسبت به آن شناخت پیدا نمود)، پس هریک از اموری که در این آیه شریفه از آیات الهی به شمار آمده، دلیل تام و مستقلى برای اثبات خدای سبحان و صفات اوست.

[۷] کلمه عقل در قرآن به دلیل اهمیت آن، با ترکیب و صیغ گوناگون ۴۹ بار، در ۳۰ سوره و ۴۹ آیه تکرار شده است.

[۸] تاریخ هر چند ناظر به وقایع گذشته است، ولی مدنظر قرار دادن آن به منزله یک جریان علمی پویا و مستمر، علاوه بر گذشته، حال و آینده را نیز می توان در آینه‌ی آن تماشا کرد و پندها گرفت. به قول شهید مرتضی مطهری: «هر چند موضوع و مورد بررسی تاریخ علمی، حوادث و وقایعی است که به گذشته تعلق دارد؛ اما مسائل و قواعدی که استنباط می کند اختصاص به گذشته ندارد، قابل تعمیم به حال و آینده است».

[۹] عنکبوت/ ۲۰؛ روم/ ۴۲؛ غافر/ ۸۲؛ محمد/ ۱۰.



## منابع

۱. قرآن کریم ترجمه، مکارم شیرازی، چاپ دوم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، قم: ۱۳۷۳ ش.
۲. ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحرير و التنوير، مؤسسة التاريخ، بيروت، بی تا.
۳. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، دارالکتب العلمیه، بیروت: ۱۴۱۵ ق.
۴. بلاغی نجفی، محمدجواد، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، قم: ۱۴۲۰ ق.
۵. بوریل، گیبسون، نظریه‌های کلان جامعه‌شناختی و تجزیه و تحلیل سازمان، ترجمه: محمدتقی نوروزی، سمت، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، تهران/ قم: ۱۳۹۰ ش.
۶. بیضاوی، عبدالله بن عمر، انوار التنزیل و اسرار التأویل، دار احیاء التراث العربی، بیروت: ۱۴۱۸ ق.
۷. جوادی آملی، عبدالله، شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی، محقق، سعید بندعلی، اسراء، قم: چاپ پنجم، ۱۳۸۸ ش.
۸. —، معرفت‌شناسی در قرآن، محقق: حمید پارسانیا، اسراء، قم: چاپ سوم، ۱۳۸۴ ش.
۹. —، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، نشر اسراء، قم: چاپ چهارم، ۱۳۹۰ ش.
۱۰. خسروپناه، عبدالحسین، کلام جدید، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، قم: چاپ دوم، ۱۳۹۰ ش.
۱۱. سیدقطب، بن ابراهیم شاذلی، فی ظلال القرآن، دارالشروق، بیروت/ قاهره: ۱۴۱۲ ق.
۱۲. صادقی‌تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، انتشارات فرهنگ اسلامی، قم: ۱۳۶۵ ش.
۱۳. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی، قم: ۱۴۱۷ ق.
۱۴. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ناصر خسرو، تهران: ۱۳۷۲ ش.
۱۵. ابوجعفر محمدبن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، دارالمعرفه، بیروت: ۱۴۱۲ ق.
۱۶. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، دارالتراث العربی، بیروت: بی تا.
۱۷. علاقه بند، علی، مدیریت عمومی، چاپ چهاردهم، نشر روان، تهران: ۱۳۸۵ ش.
۱۸. علی‌پور، مهدی، پارادایم اجتهادی دانش دینی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم: ۱۳۸۹ ش.
۱۹. فتحی‌زاده، مرتضی، عقلانیت علمی، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران: ۱۳۹۲ ش.

۲۰. فخررازی، محمدبن عمر، تفسیر کبیر، دار احیاء التراث العربی، بیروت: ۱۴۲۰ ق.
۲۱. فضل الله، سید محمد حسین، تفسیر من وحی القرآن، دار الملائک للطباعة و النشر، بیروت: ۱۴۱۹ ق.
۲۲. الک، فیشر، نگاهی انتقادی به معرفت شناسی جدید، ترجمه حسن عبدی، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم: ۱۳۸۹ ش.
۲۳. قلی پور، رحمت الله، «شناخت شناسی سازمانی»، مجله مجتمع آموزش عالی قم: س ۴، ش ۱۳، ۱۳۸۱.
۲۴. گائینی، ابوالفضل، درسنامه مبانی معرفت شناسی تنوری های سازمان و مدیریت، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم: ۱۳۹۰ ش.
۲۵. گریزری، پال، نقدی بر دانش مدیریت (پژوهش مدیریتی و دانش مدیریت)، ترجمه: محمد صائبی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم: ۱۳۸۹ ش.
۲۶. لور، کیث، نظریه معرفت، ترجمه: مهدی عبداللهی، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، تهران: ۱۳۹۶ ش.
۲۷. مارتین، رابرت، معرفت شناسی، ترجمه: نسترن ظهیری، ققنوس، تهران: ۱۳۹۴ ش.
۲۸. مدرسی، سید محمد تقی، من هدی القرآن، دار محبی الحسین، تهران: ۱۴۱۹ ق.
۲۹. مراغی، احمد بن مصطفی، تفسیر المراغی، دار احیاء تراث العربی، بیروت: بی تا.
۳۰. مصباح یزدی، محمد تقی، معارف قرآن: خداشناسی، کیهان شناسی، انسان شناسی، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع)، قم: چاپ پنجم، ۱۳۸۴ ش.
۳۱. مطهری، مرتضی، جامعه و تاریخ، انتشارات صدرا، تهران: چاپ پنجم، ۱۳۷۲ ش.
۳۲. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، انتشارات صدرا، تهران: چاپ پازدهم، ۱۳۹۰ ش.
۳۳. مطهری، مرتضی، مسئله شناخت، انتشارات صدرا، تهران: چاپ هشتم، ۱۳۷۳ ش.
۳۴. معلمی، حسن، معرفت شناسی در فلسفه غرب، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران: چاپ دوم، ۱۳۸۸ ش.
۳۵. مغنیه، محمد جواد، تفسیر الکشف، دار الکتب الإسلامية، تهران: ۱۴۲۴ ق.
۳۶. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دار الکتب الإسلامية، تهران: ۱۳۷۴ ش.
۳۷. موزر، پل، درآمدی موضوعی بر معرفت شناسی معاصر، ترجمه: رحمت الله رضایی، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع)، قم: ۱۳۸۵ ش.





۳۸. میرزایی اهرنجان، حسن؛ امیری، مجتبی؛ «ارائه مدل سه‌بعدی تحلیل مبانی فلسفی و زیرساخت‌های بنیادی تئوری‌های مدیریت» دانش مدیریت، س ۱۵، ش ۵۶، ۱۳۸۱.
۳۹. نوریس، کریستوفر، شناخت‌شناسی مفاهیم کلیدی در فلسفه، ترجمه: ناصرالدین علی‌نقویان، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، تهران: ۱۳۸۹ ش.
۴۰. هاشمی‌رفسنجانی، اکبر و جمعی از محققان، تفسیر راهنما، بوستان کتاب، قم: ۱۳۸۷ ش.
۴۱. هاینس، وی ریچ، کونتز، هرولد، اصول مدیریت (چشم‌انداز جهانی)، ترجمه: علی پارسانیا، ترمه، تهران: چاپ دوم، ۱۳۸۸ ش.
۴۲. هچ، مری جو، نظریه سازمان (مدرن، نمادین - تفسیری، پست‌مدرن)، ترجمه: حسن دانایی‌فرد، مؤسسه کتاب مهربان نشر، تهران: چاپ دوم، ۱۳۸۹ ش.
۴۳. رضائیان، علی، مبانی سازمان و مدیریت، سمت، تهران: چاپ نوزدهم، ۱۳۹۵ ش.
44. Colin McGinn The Concept of Knowledge Midwest Studies in philosophy, 1984.

## References

1. The Holy Quran, Translated by Makarem Shirazi, 2<sup>nd</sup> Edition, Office of Islamic History and Education Studies, Qom: 1994.
2. Alaqaband, Ali, General Management, 14<sup>th</sup> Edition, Ravan Publications, Tehran: 2006.
3. Alipour, Mehdi, Ijtihadi Paradigm of Religious Knowledge, Research Institute of Hawzeh and University, Qom: 2010.
4. Alusi, Seyyed Mahmoud, *Ruh al-Ma'ani fi Tafsir al-Quran al-'Azeem*, Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Beirut: 1415 A.H.
5. Balaghi Najafi, Muhammad Javad, *Ala'ur Rahman fi Tafsir al-Quran*, Bi'that Foundation, Qom: 1420 A.H.
6. Baydawi, Abdullah bin Umar, *Anwar al-Tanzil and Asrar al-Ta'wil*, Dar Ihya al-Turath al-Arabi, Beirut: 1418 A.H.
7. Burril, Gibson, *Sociological Macro Theories and Organizational Analysis*, Translation: Muhammad Taqi Nawrozi, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Tehran/Qom: 2011.
8. Colin McGinn, *The Concept of Knowledge*, Midwest Studies in Philosophy, 1984.
9. Fakhrazi, Muhammad bin Omar, *Tafsir Kabir*, Dar Ihya al-Turath al-Arabi, Beirut: 1420 A.H.
10. Fathizadeh, Murtaza, *Scientific Rationality*, Islamic Culture and Thought Research Institute Publishing Organization, Tehran: 2012.
11. Fazlullah, Seyyed Muhammad Hossein, *Tafsir min Wahy Al-Quran*, Dar al-Malak for Printing and Publishing, Beirut: 1419 A.H.
12. Fischer, Alek, *A Critical Look at New Epistemology*, Translated by Hassan Abdi, Imam Khomeini Educational and Research Institute Publications, Qom: 2010.
13. Gaini, Abolfazl, *Textbook of Epistemological Foundations of Organization and Management Theories*, Research Institute of Hawzeh and University, Qom: 2011.
14. Grizari, Pal, *A Review of Management Knowledge (Management Research and management Knowledge)*, Translated by Muhammad Saebi, Research Institute of Hawzeh and University, Qom: 2017.



15. Hashmi Rafsanjani, Akbar and A Group of Researchers, Tafsir Rahnama, Bostan Kitab, Qom: 2008.
16. Hatch, Maryr Jo, Theory of Organization (Modern, Symbolic-Interpretive, Postmodern), Translated by Hassan Danai Fard, Mehraban Publishing Institute, Tehran: 2<sup>nd</sup> Edition, 2010.
17. Hines V. Rich and Harold Koontz, Principles of Management (Global Perspective), Translated by Ali Parsania, Termeh, Tehran: 2<sup>nd</sup> Edition, 2009.
18. Ibn Ashour, Muhammad bin Tahir, Al-Tahrir and Al-Tanwirr, History Foundation, Beirut, n.d..
19. Javadi Amoli, Abdullah, Epistemology in the Quran, Researcher: Hamid Parsania, Israa, Qom: 3rd Edition, 2005.
20. Javadi Amoli, Abdullah, The Dignity of Reason in the Geometry of Religious Knowledge, Esra Publications, Qom: 4<sup>th</sup> Edition, 2011
21. Javadi Amoli, Abdullah, The Flourishing of Reason in the Light of the Hosseini Movement, Edited by Sa'eed Bandali, Esra, Qom: 5<sup>th</sup> Edition, 2009.
22. Khosropanah, Abdul Hossein, Modern Theology, The Institution Representing the Supreme Leader in Universities, Qom: 2<sup>nd</sup> Edition, 2011.
23. Lehrer, Keith, Theory of Knowledge, Translated by Mahdi Abdullahi, Iran Research Institute of Wisdom and Philosophy, Tehran: 2015.
24. Maghniyah, Muhammad Javad, Tafsir al-Kashf, Dar al-Kutub al-Islamiyyah, Tehran: 1424 AH.
25. Makarem Shirazi, Nasir, Tafsir al-Nemounch (The Ideal Exegesis), Dar al-Kutub al-Islamiyyah, Tehran: 1995.
26. Maraghi, Ahmad bin Mustafa, Tafsir al-Maraghi, Dar Ihya Turath al-Arabi, Beirut: n.d.
27. Martin, Robert, Epistemology, Translated by Nastern Zahiri, Qoqnoos, Tehran: 2014.
28. Mirzaei Ahranjani, Hassan; Amiri, Mujtaba; "Presentation of the Three-dimensional Model of the Analysis of the philosophical foundations and fundamental infrastructures of management theories" Danesh Management, Q. 15, No. 56, 2013, 12-3.
29. Misbah-Yazdi, Muhammad Taqi, Quranic Teachings: Theology, Cosmology, Anthropology, Publication Center of Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom: 5th Edition, 2005.

30. Mo'alemi, Hassan, Epistemology in Western Philosophy, Publishing Organization of Islamic Culture and Thought Research Institute, Tehran: 2<sup>nd</sup> Edition, 2009.
31. Modarrasi, Seyyed Muhammad Taqi, Min Hoda al-Quran, Dar Mohibi Al-Hussein, Tehran: 1419 AH.
32. Moser, Paul, A Thematic Introduction to the Contemporary Epistemology, Translated by Rahmatullah Rezaei, Imam Khomeini Educational and Research Institute Publishing Center, Qom: 2006.
33. Mutahhari, Murtaza, Collection of Works, Sadra Publications, Tehran: 13<sup>th</sup> Edition, 2011
34. Mutahhari, Murtaza, Society and History, Sadra Publications, Tehran: 5<sup>th</sup> Edition, 1993.
35. Mutahhari, Murtaza, The Problem of Knowledge, Sadra Publications, Tehran: 8<sup>th</sup> Edition, 1994.
36. Norris, Christopher, Epistemology of Key Concepts in Philosophy, Translated by Nasiruddin Ali Naqviai, Research Institute of Cultural and Social Studies, Tehran: 2010.
37. Qolipour, Rahmatullah, "Organizational Cognitive Science", Qom Higher Education Complex Journal: Volume 4, Issue 13, 2013.
38. Rezaian, Ali, Fundamentals of Organization and Management, SAmt, Tehran: 19<sup>th</sup> Edition, 2016.
39. Sadiqi-Tehrani, Muhammad, Al-Furqan fi Tafsir al-Quran with the Quran, Islamic Culture Publications, Qom: 1986.
40. Seyed bin Qutb, Ibn Ibrahim Shazli, Fi Zilal (In the Shadows of the Quran), Dar al-Shuruq, Beirut/Cairo: 1412 AH.
41. Tabari, Abu Jaafar Muhammad bin Jarir, *Jame' al-Bayan* fi Tafsir al-Quran, Dar al-Ma'rifah, Beirut: 1412 AH.
42. Tabarsi, Fazl bin Hassan, *Majma' al-Bayan* fi Tafsir al-Quran, Nasir Khosrow, Tehran: 1993.
43. Tabatabaei, Seyyed Muhammad Hossein, Al-Mizan fi Tafsir al-Quran, Islamic Publications Office, Qom: 1417 AH.
44. Tusi, Muhammad bin Hassan, Al-Tibyan fi Tafsir al-Quran, Dar al-Turath al-Arabi, Beirut:n.d.